فصل‌نامه‌ی مطالعات توسعه‌ی اجتماعی- فرهنگی، دوره‌ی دهم، شماره‌ی ۱، تابستان ۱۴۰۰، صفحات ۴۳-۹

مقاله پژوهشی

بازیابی معنایی مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر مشهد مقدس

علیرضاکول[۱]، علیرضا اسماعیلی[۲]،رحمت‌اله امیراحمدی[۳]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۴/۰۲

چکیده

هدف پژوهش حاضر، بازیابی و تحلیل معانی مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی از نگاه ساکنان آپارتمان می‌باشد. به این منظور از روش تحقیق کیفی(توصیفی-تحلیلی) استفاده گردیده است. جامعه مورد بررسی پژوهش حاضر، ساکنان آپارتمان در مناطق ۲و۹ شهر مشهد می‌باشند. حجم نمونه‌ی پژوهش، تعداد ۲۱ نفر از ساکنان آپارتمان‌نشین مبتنی بر اشباع نظری تعیین، که به شیوه نمونه‌گیری هدف‌مند دنبال گردیده است. ابزار گردآوری دادهای پژوهش، مصاحبه‌ی باز و نیمه ساخت‌یافته انتخاب گردیده است. جهت تحلیل داده-ها از نرم‌افزار maxqda استفاده شده است. داده‌های پژوهش به روش تحلیل تماتیک مورد واکاوی قرار گرفته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که مقولات: روابط اجتماعی سازنده، اعتماد اجتماعی، مشارکت اجتماعی، تنوع فرهنگی، سبک نوین زندگی، از جمله شاخص‌ها و معیارهایی هستند که از طرف ساکنین در قالب فرهنگ آپارتمان‌نشینی تعریف شده و بر رفتار افراد در محیط‌های زندگی جمعی بیشترین تأثیر را دارند. درنتیجه اگر ساکنان در دو بعد عملکردی و ساختاری بر پایه‌ی ارزش‌ها و هنجارهای پذیرفته‌شده‌ی ایرانی- اسلامی عمل نمایند، بهبود فرهنگ زندگی جمعی و نهادینه کردن آن در تعاملات زندگی روزمره جهت تغییر در عادت‌واره‌های رفتاری ساکنان فراهم می گردد.

واژهای کلیدی: اعتماد اجتماعی؛ سبک زندگی؛ روابط اجتماعی؛ فرهنگ آپارتمان‌نشینی؛ مشارکت اجتماعی

[۱] دانشجوی دوره‌ی دکتری تخصصی جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.
koulalireza@ymail.com
[۲] استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران (نویسنده‌ی مسؤول).
are1346@gmail.com
[۳] استادیار گروه جامعه‌شناسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.
amirahmadi569@yahoo.com

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مقدمه و طرح مسأله

پیشرفت‌های تکنولوژی و زیست‌محیطی در دوران اخیر، سبب شده است که زندگی انسان‌ها از کیفیت بیشتری برخوردار گشته و به تبع آن جمعیت افراد نیز در روستاها و شهرها افزایش یابد، به دلیل استفاده‌ی بیشتر از تکنولوژی در نواحی شهری، خشک‌سالی‌های پی‌درپی سال‌های اخیر کشورمان، دست‌یابی به امکانات و رفاه بیشتر، شاهد مهاجرت خیل عظیمی از ساکنان روستاها و شهرهای کوچک به سمت جاذبه‌های زندگی و امکانات بیشتر در شهرهای بزرگ‌تری مثل تهران، مشهد بوده‌ایم. رشد جمعیت شهر و سرریز جمعیت روستایی با خصوصیات منحصربه‌فرد نحوه‌ی زندگی در خانه‌های ویلایی، به طور ناخواسته‌ای شکل رفتارهای اجتماعی را در چنین شهرهایی دگرگون و مهم‌تر از آن، سکونت‌گاه‌های شهری را از حالت گسترش افقی خارج و به شکل آپارتمان و مجتمع‌های مسکونی با شرایط، مقررات ویژه و فرهنگ خاصی تغییر داده است. پدیده‌ی آپارتمان‌سازی در ایران حدود نیم قرن است که به تقلید از شهرهای بزرگ جهان برای نخستین بار در زمان رضا شاه (محسنی و همکاران، ۱۸۲:۱۳۹۰) ایجاد شده است. بنابر داده‌های آماری حاصل از سرشماری شهر مشهد، ۴۹/۲ درصد خانوارها در واحدهای مسکونی آپارتمانی و۵۰/۴۴ درصد در واحدهای مسکونی غیر آپارتمانی سکونت دارند (آمارنامه مشهد،۱۳۹۲). افزایش جمعیت منجر به تغییر شکل سریع سکونت، استفاده‌ی بهینه از فضا، تخریب خانه‌های حیاط مرکز با خصوصیات ویژه و تبدیل آن‌ها به خانه‌هایی با ابعاد کوچک‌تر و البته سوار بر یکدیگر به شکل ارتفاعی، مدلی از زندگی را در قالب سرپناهی تحت عنوان آپارتمان به‌همراه قواعد ویژه‌ی خود با وجود تنوع قومیتی، اجتماعی- فرهنگی و از طرفی ناآگاهی از قوانین و گاهی رعایت‌نکردن مقررات مربوطه توسط افراد و همچنین عدم آموزش به‌موقع و هم‌زمان در راستای رشد فرهنگ آپارتمان‌نشینی و ضعیف‌بودن فعالیت‌های آموزشی نهادهای وابسته، همگی سبب مشکلاتی از قبیل: ناهماهنگی، عدم سازگاری و هم‌نوایی، فاصله‌ی اجتماعی، بی‌تفاوتی، عدم مشارکت، عدم پذیرش مسؤولیت در زندگی جمعی، زوال همسایگی، روابط اجتماعی سرد، بی‌روح و سایر مواردی از این دست در کلان‌شهری مانند مشهد که می‌تواند با وجود بارگاه نورانی امام رضا(ع) برخوردار از یک محیط اجتماعی متمایز و منحصربه‌فرد باشد و به‌عنوان الگوی زندگی اجتماعی مطرح گردد، فرهنگ زندگی جمعی را در این شهر، دستخوش تغییر نموده و منجر به دغدغه‌هایی جهت رفع این گونه

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مشکلات و موانع در قالب فرهنگ‌سازی زندگی آپارتمانی گردیده است. لذا مرتبط با واژه از جاکندگی و بازجایگیری گیدنز[1]، این افراد با شیوه‌ی زندگی نو به آپارتمان‌نشینانی تبدیل شده‌اند که از زندگی قبلی‌شان جدا و با فرهنگ زندگی جدید که دارای فضاهای عمومی و نیمه‌عمومی مشاع می‌باشد و استفاده از آن‌ها تابع مقرات جمعی و خاصی است تا حدودی بیگانه‌اند. انسان در قلمرو شهری بی‌مکان رها می‌شود و زمانی که انسان مکان هویتی خود را از دست بدهد، نمی‌تواند با محیط جدید خود احساس نزدیکی‌کند (محمدزاده، ۱۳۹۰:۳۱). این گونه موارد در بیشتر اوقات باعث می‌شود که فرهنگ شخصی فرد در تناقض با مقررات جمعی و خاص قرار گیرد و منجر به درگیری‌های همیشگی میان ساکنین، مدیران، خدمات، انتظامات مجتمع‌های مسکونی و آپارتمان‌ها در قالب پرداخت حق شارژ، مسأله‌ی تردد، مسأله‌ی بهداشت، مسأله‌ی حفظ ایمنی و امنیت، مسأله ی حفظ و نگهداری از بنا و مدیریت ساختمان گردد (کندی[2]۲۰۱۵ ؛ هانلون[3]،۲۰۰۶).

شهر مشهد با مناطق سیزده‌گانه‌اش به اقتضای شرایط اقتصادی مهاجرین خارجی و داخلی، همیشه شاهد و پذیرای تعداد زیادی از این افراد با ویژگی‌ها و تفکرات مذهبی، اجتماعی، طبقاتی و فرهنگی خاص و منحصربه‌فرد وابسته به محیط‌های روستایی و شهرهای کوچک و حتی کشورهای عرب همسایه و افغانستان و پاکستان، که به علت ناآرامی‌های سیاسی و نابسامانی‌های اقتصادی در آن‌جا، به کشورمان مهاجرت و در شهرهای مختلفی من جمله شهر مشهد ساکن می شوند؛ می‌باشد، این موارد موجب گردیده که منابع عرضه و تقاضا برای مسکن نامتعادل و هم در سایه‌ی تفاوت‌های فرهنگی مختلف، درک متقابلی میان ساکنان و مهاجران خارجی وجود نداشته باشد. لذا ناهنجاری‌هایی در مبحث فرهنگ آپارتمان‌نشینی به وجود می‌آید، به‌طوری‌که شرایط زندگی در محیط عمومی را برای سایرین و خودشان تغییر داده و سخت‌تر نموده‌اند؛ چراکه شناخت عمیقی از فرهنگ زندگی در محیط جمعی وجود ندارد؛ همچنین قانون و مقررات کنترل کننده هم کم‌رنگ و یا در دست نمی‌باشد. حال جهت کمک به حل این مسأله در راستای ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی و در ارتباط با نظریه‌های جامعه‌شناسی شهری و گاهی بین رشته‌ای، آن‌چه

[1] Giddens
[2] Kennedy
[3] Hanlon

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

برای رشد و تصحیح این شکل از زندگی اجتماعی اهمیت می‌یابد، فهم و تفسیر معنای ذهنی ساکنان آپارتمان‌نشین با هر میزان سابقه‌ی سکونتی از مفهوم فرهنگ زیستی زندگی جمعی آنان می باشد و در ادامه تحلیل نظام معنایی آنان از مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی جهت رفع مشکلات و معضلات شکل‌گرفته، موانع موجود و مرتبط در این زمینه می‌تواند نقش به‌سزایی در حل این مسأله داشته باشد، تا در نهایت با ارزیابی متغیرهای مرتبط، بتوان به الگوی بهینه‌ای جهت حفظ و نهادینه کردن معیارها و هنجارهای ایرانی- اسلامی (فرهنگ) در زندگی جمعی که شکل‌دهنده‌ی رفتارهای مثبت اجتماعی است، دست یافت. لذا مسأله‌ی اساسی پژوهش این است که چرا با توجه به اینکه فرهنگ آپارتمان‌نشینی بخشی از فرهنگ شهری است و با وجودی که این روزها فرهنگ آپارتمان نشینی مورد توجه بسیاری از محافل اجتماعی قرار دارد و تلاش‌های گسترده‌ای جهت ارتقای آن و رعایت معیارها و هنجارهای زندگی در مکان عمومی صورت گرفته است، این مهم به شکل خاص در کلان‌شهر زیارتی مشهد به‌عنوان نمونه و الگو، کماکان درگیر موارد مرتبط با خود بوده و نتوانسته جایگاه واقعی خود را پیدا نماید. حال درک و فهم مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی از نگاه افراد ساکن در آپارتمان و مجتمع‌های مسکونی و یافتن زمینه‌هایی اصولی و کاربردی جهت حل این چالش بزرگ در بین افراد از مسائل مهم اجتماعی و جامعه‌شناسی شهری محسوب و همچنین تصمیم‌گیری‌های مدیران و برنامه‌ریزان شهری جهت تدوین قوانین برمبنای معانی ذهنی آپارتمان نشینان برای کاهش انواع آسیب‌های زندگی جمعی و مواجه‌ی آگاهانه‌ی ساکنین نسبت به این مهم(فرهنگ آپارتمان‌نشینی) و همبستگی بیشتر آنان در این کلان‌شهر در سایه‌ی آموزه‌های متون اسلامی حایز اهمیت بوده و ضرورت بررسی را ایجاب می‌کند. حال با توجه به هدف اصلی پژوهش(بازسازی معنایی مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی)، سؤالات پژوهش بدین‌گونه مطرح می گردد: ۱- برداشت ذهنی کنش‌گران از مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی چیست؟ ۲-الگوی بهینه‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی از دیدگاه ساکنین آپارتمان در شهر مشهد چیست؟ لذا طی مصاحبه‌های عمیق در راستای هدف و سؤالات پژوهش، مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی، تنوع فرهنگی، سبک زندگی، اعتماد، مشارکت و روابط اجتماعی سازنده جهت حل این معضل اجتماعی

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

که در نوع خود زمینه‌ساز خیلی از مسائل و ناهنجاری‌ها در کلان‌شهری مانند مشهد می‌شود، استخراج و مورد بررسی قرار گردید.

پیشینه‌ی پژوهش

مطالعات داخلی

– محمدی و همکاران (۱۳۹۷)، پژوهشی با عنوان «عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین با رویکرد کمی در میان کلیه‌ی شهروندان آپارتمان‌نشین ۱۵سال به بالا در شهر شیراز» انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که متغیرهای اعتماداجتماعی (۰/۲۵۳)، امنیت اجتماعی (۰/۱۷۸)، امکانات مذهبی (۰/۱٦٤)، امکانات رفاهی (۰/۱۳۳)، رضایت از زندگی آپارتمان‌نشینی (۰/۱۹۰)، حمایت اجتماعی (۰/۱٦۸) و سبک زندگی (۰/۱۳۳) تأثیر مثبت و معنی داری بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین شهر شیراز دارند. همچنین شبکه‌های اجتماعی با (۰/۱۳۰–) تأثیر منفی و معنی‌داری بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین شهر شیراز دارد. بخش ساختاری مدل آنان نشان می‌دهد که متغیر اعتماد اجتماعی با اثر مستقیم (۰/۲۵۳) بیشترین مقدار واریانس تعاملات اجتماعی را تبیین کرده است. همچنین نتایج این پژوهش بیان می‌دارد که با افزایش عوامل اجتماعی– فرهنگی، تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین افزایش پیدا می‌کند.

– جوکار و همکاران (۱۳۹٦)، پژوهشی تحت عنوان «مطالعه‌ی عوامل مؤثر بر پیامدهای آپارتمان نشینی در ایران (با تأکید بر کلان‌شهر تهران)» با استفاده از روش پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه‌ی محقق‌ساخته، انجام داده‌اند. نتایج پژوهش آنان نشان می‌دهد که متغیرهای مستقلی مانند محدودیت فضا–مکان، نوع معماری بر کاهش کارکردهای نهاد خانواده، اشراف پنجره‌ی خانه‌های آپارتمانی بر خانه‌های همسایه‌های مجاور، «آپارتمان‌نشینی بر افزایش روابط اجتماعی خارج از عرف»، افزایش سابقه‌ی آپارتمان‌نشینی بر تغییر و تحول»، سبک و شیوه‌ی زندگی از سنتی به زندگی مدرن»، محدودیت‌های فضا (متراژ) و تنوع قومیتی و فرهنگی بر «کاهش روابط همسایگی» تأخیر در ازدواج، کاهش تعداد فرزندان، افزایش تحصیلات، مالکیت ملک، تراکم جمعیت و خانواده، همگی بر «کاهش روح دینی در زندگی آپارتمان‌نشینی» و مالکیت ملک، تراکم جمعیت و افزایش تعداد بلوک‌های آپارتمانی بر «کاهش روحیه‌ی مشارکت مدنی و مذهبی» دارای تأثیر مستقیم و معنادار بودند. تأثیر متغیرهای مستقلی مانند افزایش سوابق آپارتمان‌نشینی و معماری مدرن نیز بر «رعایت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

حقوق شهروندی» مستقیم و معنادار بوده است و اکثر ساکنان بر رعایت حقوق شهروندی تأکید داشتند. ۰/۸۹ درصد ساکنان آپارتمان‌نشین نیز از «امنیت زندگی آپارتمان‌نشینی» رضایت داشتند.

- عرفانیان قصاب و همکاران (۱۳۹۵)، در پژوهشی با هدف «بررسی موانع و راه‌کارهای ارتقای فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر مشهد» فرهنگ آپارتمان‌نشینی را در سه نوع آپارتمان‌های ردیفی، مجتمع مسکونی و برج مسکونی بررسی کرده‌اند. آن‌ها در پژوهش خودشان بیان داشتند که فرهنگ آپارتمان‌نشینی در آپارتمان‌های ردیفی و مجتمع‌های مسکونی در حد متوسط و در برج‌های مسکونی، بالاتر از حد متوسط می‌باشد. بین فرهنگ آپارتمان‌نشینی در آپارتمان‌های ردیفی و مجتمع‌های مسکونی با برج‌های مسکونی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. همچنین از میان عواملی که بر فرهنگ آپارتمان‌نشین تأثیر داشته‌اند، عامل رضایت از زندگی آپارتمان‌نشینی با (۰/۳۸۵)، اعتماد اجتماعی (۰/۳۳۹-)، مشارکت اجتماعی (۰/۳۱۷)، تعلق به مکان (۰/۲۱۷)، همبستگی اجتماعی (۰/۱۰۳-)، آموزش صحیح قوانین آپارتمان‌نشینی (۰/۰٦۸)، الگوی سکونتی (۰/۳۱۵) بیشترین تأثیر را بر میزان فرهنگ آپارتمان‌نشینی داشته‌اند.

- ناصری و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهشی با عنوان «واکاوی پیامدهای آپارتمان‌نشینی در شهرهای ایرانی- اسلامی(نمونه‌ی مورد مطالعه: مسکن مهر بروجرد)» با هدف درک مشکلات فرهنگی و اجتماعی زندگی آپارتمان‌نشینی انجام داده‌اند. روش تحقیق آنان بنا بر نوع هدف(کاربردی) بر اساس ماهیت داده‌ها کیفی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات بر پایه‌ی مطالعات میدانی و کتابخانه ای استوار است که به شیوه‌ی مرور متون، منابع و آمار موجود در بستر مطالعات کتاب‌خانه‌ای و نیز شیوه‌ی مشاهده و مصاحبه در بستر مطالعات میدانی می‌باشد. آنان در پژوهش خود اظهار می‌دارند که سکونت در آپارتمان‌های مسکن مهر بروجرد با فرهنگ و نگرش جامعه‌ی ایرانی- اسلامی شهر بروجرد مغایرت دارد و این محیط(مسکن مهر) را به فضایی تنش‌زا تبدیل کرده است. همچنین نیاز به توجه جدی در بحث آموزش و چگونگی برقراری تعادل متوازن میان فرهنگ سنتی و فرهنگ آپارتمان‌نشینی به موازات توسعه‌ی فنی را به‌عنوان راه حل مطرح کرده‌اند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مطالعات خارجی

- زینب حسن[۱] (۲۰۱۹)، پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص‌های اقتصادی-اجتماعی و رضایت از زندگی در آپارتمان» مورد مطالعه اسلام‌آباد پاکستان، به روش ترکیبی و با هدف تجزیه‌وتحلیل شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی و رضایت ساکنین از زندگی در خانه‌های آپارتمانی در مقایسه با خانه‌های ویلایی و نگرش آنان از شرایط موجود و نظام ترجیحات سکونتی ساکنان انجام داده است. نتایج پژوهش وی نشان می‌دهد که ساکنین آپارتمان از مواردی مانند سروصدای زیاد، تعامل با همسایگان، امنیت اجتماعی، لزوم اجرای قوانین و فرهنگ آپارتمان‌نشینی از طرف تمام افراد، پاکیزگی و بهداشت محیط پیرامونی و فضای تفریحی ناراضی می‌باشند. این در حالی است که مالکین خانه‌های ویلایی، دارای شرایط اقتصادی - اجتماعی بهتری بوده و از زندگی در این نوع از خانه‌ها به دلیل داشتن فضای باز، حریم خصوصی بهتر و بهره‌مندی از نور و هوای کافی، رضایت بیشتری دارند.

- یونگ یاو[۲] (۲۰۱۸)، در پژوهشی با عنوان «آیا طراحی ساختمان‌های مرتفع ناهنجاری‌های رفتاری-اجتماعی ایجاد می‌کند»، با هدف بررسی ارتباط بین طراحی ساختمان‌های مرتفع و برداشت ساکنان در مورد ناهنجاری‌های رفتاری- اجتماعی به شیوه‌ی پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام داده است. وی در پژوهش خود دریافته است که همبستگی شدیدی میان نحوه‌ی طراحی مساکن آپارتمانی و درک ساکنین آپارتمان از ناهنجاری‌های رفتاری- اجتماعی وجود دارد. عواملی مانند: نحوه‌ی چیدمان بلوک‌های آپارتمانی، ارتفاع ساختمان‌ها و تعداد واحدهای هر طبقه در این زمینه می‌توانند تأثیرگذار باشند.

- داگلاس[۳](۲۰۱۸)، پژوهشی تحت عنوان «چگونگی ارتباط تراکم آپارتمان‌های مسکونی با درک و احساس ساکنین آپارتمان نسبت به اطرافیان» در منطقه‌ی ونکوور کانادا به روش کیفی انجام داده است. وی در پژوهش خود، جهت جمع‌آوری داده‌ها از دو شیوه‌ی نظرسنجی آنلاین و مصاحبه با ساکنین با هدف درک احساس اجتماعی، افزایش کیفیت زندگی، میزان رضایت ساکنین

[۱] Zainab Hassan
[۲] Jung Yao
[۳] Douglas

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در محیط‌های پرتراکم آپارتمان و کاهش آسیب‌های محیطی استفاده کرده است و در پایان ابراز داشته است که عواملی مانند بهبود فضای عمومی زندگی، حضور پیوسته در انجمن‌های همسایگی و همگنی جمعیت ساکن در یک آپارتمان در درک و احساسات ساکنین نسبت به یکدیگر تأثیرگذار است.

- وینجیا و همکاران[۱] (۲۰۱۶)، پژوهشی با عنوان «انسجام همسایگی در آپارتمان‌های ارزان قیمت» مورد مطالعه: آپارتمان‌های منتوری مالزی به روش پیمایش به شیوه‌ی نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای در میان ۱۴۲۸ واحد از بلوک‌های آپارتمانی با ابزار پرسش‌نامه و با هدف بررسی رابطه بین ویژگی‌های فرهنگی- اجتماعی افراد و انسجام اجتماعی آنان در محیط‌های آپارتمانی انجام داده‌اند. نتایج رگرسیون چندگانه‌ی پژوهش آنان نشان می‌دهد که از میان مؤلفه‌هایی مانند: تنوع قومی، مدیریت آپارتمان، سن، جنس، سطح تحصیلات، میزان درآمد، مالکیت، احساس تعلق به مکان، وضعیت تأهل، طول دوره‌ی زندگی در یک مکان و تعداد فرزندان، متغیرهای مالکیت خانه، تنوع قومی و سن افراد تأثیر معناداری بر انسجام اجتماعی ساکنان آپارتمان دارد و از طرفی مدیریت آپارتمان نیز باید بتواند شاخص‌هایی را که بر انسجام اجتماعی ساکنان تأثیرگذارند، شناسایی و درنهایت از صاحب‌خانه‌ها و افراد باتجربه جهت مشارکت در جلسات هیأت مدیره به منظور گسترش نظم و هماهنگی بیشتر در میان ساکنان برای بهبود انسجام اجتماعی ساکنان دعوت به عمل آورد.

- نایوهایس، وکلر و فلیپ[۲] (۲۰۱۳)، در پژوهشی که در کشور هلند بر نمونه‌ای ۵۰۰ نفری انجام داده‌اند، بیان می‌دارند که عدم اعتماد و تنوع مذهبی در محله، روابط منفی را در میان همسایگان افزایش می‌دهد. عدم قطعیت از آینده منجر به افزایش روابط منفی میان همسایگان می‌شود. همچنین زمانی که ساکنان نسبت به ادراک در محله‌ی خود در تعارض باشند، روابط منفی بین آن‌ها بالا می‌گیرد. همچنین افراد مرفه نیاز کمتری به پشتیبانی و کمک از سایر همسایگان خود دارند و بنابراین کمتر درگیر روابط همسایگی می‌شوند.

[۱] Vinjia et al
[۲] New Haven, and Claire and Philip

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در رابطه با واقعیت‌ها و پدیده‌های موجود و مطرح‌شده، مطالعات بی‌شماری چه در داخل و چه در خارج از کشور انجام گردیده است. در حوزه‌ی علوم انسانی و رفتاری، یک مطالعه ممکن است در چارچوب تعیین‌شده، روش تحقیق و ساختار شکلی و محتوایی با توجه به تعدادی متغیر به درستی انجام پذیرد، اما به دلایل مختلف نمی‌توان در یک پژوهش تمام جنبه‌ها را لحاظ و بررسی کرد. در رابطه با پژوهش حاضر نیز پس از جست‌وجو و بررسی سایت‌ها، مجلات و مقالات مختلف و معتبر علمی-پژوهشی، در داخل و خارج از کشور، پژوهش‌هایی در این باره صورت پذیرفته است. در جوامع غربی، اروپایی و گاهی آسیایی در بعد سخت‌افزاری، بیشتر به نوع معماری، تراکم، چیدمان بلوک‌ها، طراحی بر اساس تولید انرژی و استفاده‌ی بهینه از نور خورشید برای آسایش و بهزیستی بیشتر افراد و در بعد نرم‌افزاری، هم جز معدود تحقیقاتی که به بررسی روابط و تعاملات همسایگی در قالب مواردی مانند: تنوع قومیتی بر اثر مهاجرت‌های گسترده، سنت‌ها، محدودیت های زندگی، استفاده از فناوری ارتباطات میان افراد، سبک زندگی و تغییرات ساختاری و....پرداخته‌اند، در این باره بررسی مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی از نگاه ساکنین آپارتمان ضعیف بوده و یا خیلی دنبال نگردیده، یا اگر اشاره‌ای هم شده است کم‌رنگ بوده و بیشتر سعی در بهره مندی از مهندسی جدید در ساخت آپارتمان‌هایی با درنظرگرفتن حداکثر استانداردها می باشند.

در پژوهش‌های داخلی نیز در زمینه‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی، در بعد سخت‌افزاری (نوع و سبک معماری) تا چند سال اخیر به دلایل متعدد داخلی که بیشتر جنبه‌ی اقتصادی دارد، توجه ویژه‌ای آن گونه که این روزها مطرح و صورت می‌گیرد، در این زمینه نشده است؛ یعنی بسیاری از ساختمان-ها ضمن رعایت نسبی ایمنی، آن‌طورکه باید و شاید مبتنی بر سبک زندگی ایرانی -اسلامی بنا نگردیده است. لذا نوع و سبک معماری در جامعه‌ی ما نیازمند بازنگری ویژه در این زمینه می‌باشد. اما در بعد نرم‌افزاری هم به شیوه‌ی کمی و هم به شیوه‌ی کیفی و تاحدودی آمیخته، تحقیقاتی در قالب بررسی تأثیر عوامل مربوطه و همچنین رابطه‌ی عوامل مرتبط با فرهنگ آپارتمان‌نشینی، بررسی مشکلات، شناخت ویژگی‌ها، پیامدها، موانع مرتبط، فضای کالبدی و مباحثی مانند: سنت‌ها،

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

آداب و رسوم، مشارکت، اعتماد، آگاهی‌بخشی قوانین مدنی، بهداشت، موانع ساختاری و ارتباطی در کنار توجه به متغیرهای زمینه‌ای مطرح گردیده است. می‌طلبد که در ادامه و بنا بر پیشنهادهای پژوهش های صورت‌گرفته با پژوهشی گسترده‌تر و نگاهی متفاوت، این موضوع را از زاویه‌ی دید ساکنان آپارتمان در قالب مؤلفه‌های پیش‌فرضی مانند: حفظ فاصله‌ی تعاملی میان ساکنین، مسأله‌ی تردد افراد، بهداشت و نظافت، استفاده از فضاهای مشاع ساختمان، عدم ارتکاب جرم، حفظ و نگهداری از بنا، احترام متقابل، ایمنی و احساس امنیت، رعایت مسائل شرعی در محیط عمومی، رفتارها و واکنش‌های مؤدبانه، رعایت شؤونات اخلاقی زندگی جمعی، رعایت حقوق همدیگر، همکاری متقابل، کثرت‌گرایی فرهنگی، اطمینان خاطر و... مورد بررسی قرار دارد تا بتوان با کشف و بررسی مقولات به‌دست‌آمده در میان ساکنین آپارتمان، به سناریوسازی برای آینده‌ای بهتر و ارائه‌ی الگویی بهینه در این باره، دست یافت.

چهارچوب نظری پژوهش

از دیدگاه جبرگرایی، شهر به دلیل متغیرهای اکولوژیکی نظیر جمعیت زیاد و تراکم، نامتجانسی ساکنان، اقتصاد پولی، وسایل آسان رفت وآمد، ارتباطات و سایر محرک‌های شهری باعث می‌شود که شهرنشینیان دارای روابط اجتماعی متفاوت از ساکنان دیگر مکان‌ها مثل روستاها باشند. صاحب این دیدگاه‌ها معتقدند که در بین شهرنشینان، شیوه‌ی زندگی خاصی وجود دارد که این شیوه، ویژه ی شهر است. این شیوه‌ی خاص نه‌فقط در مورد روابط اجتماعی بلکه در کلیه‌ی ابعاد رفتارهای شهرنشینان یافت می‌شود. شهرگرایی و روابط اجتماعی، نهادهـا[1]، نگرش‌ها و ایده‌هایی است که بویژه در شهرها ظاهر می‌شوند (کیوس[2]، ۵۰۱:۲۰۰۵). از ویژگی‌های شهرگرایی می‌توان به ضعف یا نبود کنترل اجتماعی غیررسمی، عقلانیت حساب‌گرانه، بی‌تفاوتی، خویشتن‌داری در روابط، آزادی شخصی، روابط سودجویانه و سطحی‌بودن روابط اشاره کرد. تونیس (۱۸۸۷) در کتاب کلاسیک خود با عنوان گماینشافت (اجتماع) و گزلشافت (جامعه)، برخلاف زندگی در روستاها که مردم اهداف مشترک و پیوندهای شدیدی به یکدیگر دارند، زندگی اجتماعی در شهر را به صورت

[1] Institutions
[2] Caves

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

یک تجمع مکانیکی مملو از فردگرایی، خودپرستی و حتی خصومت می‌داند. به اعتقاد تونیس گماینشافت، نوعی انسجام اجتماعی مبتنی بر احساسات و اهداف مشترک است که ویژگی آن وجود تعامل چهره به چهره بین کسانی است که تجربیات مشترکی دارند. در این سازمان اجتماعی افراد به‌ندرت از هنجارهای اجتماعی تخطی می‌کنند؛ در آن وفاق اجتماعی زیادی وجود دارد و نهادهای غیر رسمی، مثل خانواده و گروه هم‌سالان بر رفتار افراد حاکمیت و سلطه دارند. ویژگی های گزلشافت عبارتست از: انتقال معنای زندگی از گروه به فرد، عقلانی و حساب‌گری مردم، به فکر منافع خود بودن، داشتن روابط بدون عواطف بشری و سطحی و حساب‌گرانه در بین افراد که مهم‌ترین انگیزه در کنش انسان‌ها، جست‌وجوی منافع فردی است. در این سازمان اجتماعی، انسجام اجتماعی از طریق اقتدار رسمی و قانونی صورت می‌پذیرد (شارع پور، ۱۳۸۹:۱۱۲-۱۱۱).

زیمل در «کلان‌شهر و حیات ذهنی» به تحلیل روانی انسان‌ها در شهر مدرن و ویژگی از خود بیگانه‌کننده[1] محیط شهری می‌پردازد (زیمل، ۱۳۷۲:۲۷). هدف وی ساخت و پرداخت هندسه‌ی زندگی اجتماعی بوده است. وی در این اثر به خویشتن‌داری در میان مردم شهر توجه می‌کند، یعنی این خویشتن‌داری تنها به معنای بی‌تفاوتی نیست، بلکه به معنای اکراه، بیگانگی دوجانبه و تنفر نیز می‌باشد. از نظر او روابط بی‌تفاوتی یا حتی روابط همراه با اکراه تنها راه عملی برای همراه‌بودن با تعداد بی‌شماری افراد بیگانه در فضاهای پر ازدحام شهر است. این امر این امکان را فراهم می‌کند که فرد با دیگران ناشناخته‌ی بسیاری هم‌زیستی نماید (کوزر، ۱۳۸۰:٤٧٩). پارک شهرها و ساختار اجتماع را هم بازتاب‌دهنده‌ی شکل‌های غریزی یا طبیعی رفتار فرد و گروه و هم منعکس‌کننده‌ی شکل‌های مختلف رفتار اجتماعی آگاهانه می‌دانست. لذا در سطوح زیستی و فرهنگی رفتار، هم بر رفتار فردی و هم بر رفتار جمعی توجه داشت (بهروان، ۱۳۷۹:۲۷). از نگاه نظریه‌پردازان جبرگرا، پدیده‌ی آپارتمان‌نشینی که در جامعه‌ی ما ادبیات خاصی برای آن به چشم نمی‌خورد، پدیده‌ی نوظهوری است و همیشه تابع تغییرات رفتاری افراد می‌باشد. لذا می‌توان زمینه‌ها و ریشه‌های پدیده‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی را در دیدگاه‌های جبرگرایی در قالب روابط اجتماعی یافت؛ چراکه جمعیت مهاجر و سرازیرشده به سمت جاذبه‌های زندگی شهری با خصوصیات ویژه، نیازمند بازنگری در رفتار و عملکرد خود با سایرین می‌باشند. صاحب‌نظران این دیدگاه به جای تکیه بر نکات قوت و مثبت ویژگی‌های زندگی شهری که با مدیریت کنترل اجتماعی قوی و اهمیت‌دادن

[1] Alienating yourself

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

به نوع دوستی در روابط شبیه به آن‌چه افراد در زمان‌های قبل از پیوندهای شدید اجتماعی به‌خصوص در روستاها و شهرهای کوچک از آن برخوردار بوده‌اند؛ زندگی افراد را پس از مهاجرت و واردشدن به محیط نو و شلوغ‌تر از قبل در قالب شیوه‌ای خاص نه‌تنها در روابط اجتماعی بلکه در تمامی ابعاد تحت تأثیر قرار داده است، می‌دانند. بنابراین در این دیدگاه یکی از عواملی که باعث رشد و اعتلای فرهنگ آپارتمان‌نشینی می‌شود روابط اجتماعی سازنده‌ای است با عناصر کاهش فردگرایی، احترام متقابل، سپاس‌گزاری از همدیگر، عدم قضاوت‌های زودهنگام در مورد یکدیگر، نظارت و شفافیت در عملکرد مورد بررسی قرار گرفته است. در این زمینه تونیس در گماینشافت معتقد است که افراد، اهداف مشترک و پیوندهای شدیدی با همدیگر داشته و خود را مقید به هنجارهای اجتماعی می‌دانند و این موارد هم ناشی از وجود نهادهای غیررسمی در سایه‌ی اتحاد خانواده، نظام خویشاوندی، همسایگی و دوستی‌های مشترک و احساس یکی‌بودن است؛ اما آن‌چه امروزه در زندگی جمعی مخصوصاً در محیط‌های آپارتمانی وجود دارد و شاهد آن هستیم، گذر معنای زندگی از گروه به فرد است که عقلانیت، حساب‌گری، به فکر خود بودن، روابط بدون عاطفه، جست‌وجوی منفعت فردی در سایه‌ی اقتدار رسمی و قانونی را که از آن هم تخطی می‌شود به همراه دارد. به عقیده‌ی زیمل حضور فرد ناشناس در جمع شمار زیادی از افراد بیگانه منجر به بیگانگی‌های چندجانبه و نفرت‌انگیز می‌گردد و این را شرط زندگی اجتماعی می‌دانند که منجر به آرامش افراد به صورت نه قهر و نه آشنی می‌گردد. لذا ایجاد انگیزه در شکل‌گیری روابط اجتماعی حداقلی در چارچوب قوانین عرفی در زندگی اجتماعی مورد توجه قرار می‌گیرد. از منظر دیدگاه ترکیب‌گرایی، روابط اجتماعی شهرنشینان متنوع است و ممکن است هم روابط اجتماعی مبتنی بر صمیمیت و عاطفه و هم روابط اجتماعی مد نظر جبرگرایان وجود داشته باشد و تفاوت در آن را می‌توان، حاصل متغیرهایی نظیر: تفاوت‌های طبقاتی، قومیت، سن، جنس، وضعیت تأهل، درآمد، وضعیت تحصیلی، نژاد، نوع شغل و پیشینه‌ی افراد دانست و نه ناشی از متغیرهای اکولوژیکی شهری (صدیق سروستانی، ۶۹:۱۳۸۳). لوئیس[1] (۱۹۶۵)، حلقه‌های اجتماعی دوستانه در محیط‌های شهری بر اساس خویشاوندی، قومیت، همسایگی، نوع شغل، شیوه‌ی زندگی یا ویژگی‌هایی همانند شخصیت تشکیل شده است. هربرت گنز[2] معتقد است که در شهر شیوه‌های

[1] Louis
[2] Herbert Genz

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

مختلف زندگی وجود دارد و این اختلاف شیوه‌ها و گوناگونی زندگی شهری بیشتر به عوامل غیر اکولوژیک مانند: سن، جنس، درآمد، سطح سواد و یا قومیت افراد بستگی دارد و عوامل اکولوژیکی مخصوصاً اندازه و تراکم جمعیت و ناهمگونی گروه‌های شهری هیچ گونه عارضه‌ی مستقیم و تأثیر جدی بر زندگی افراد شهرنشین ندارد. به نظر وی برای گروه‌های خویشاوند و حلقه‌های دوستانه فرقی ندارد که جمعیت اطراف‌شان صد نفر باشد یا صد هزار نفر، یعنی علی‌رغم آن‌چه جبرگرایان مدعی‌اند، اندازه و تراکم جمعیت شهری و ناهمگونی گروه‌های شهرنشین، نوعی انسان منحصربه-فرد و خاص پرورش نمی‌دهد (صدیق سروستانی، ۳۳:۱۳۸۳). با نگاهی متفاوت به دیدگاه‌های نظری ترکیب گرایان، روابط اجتماعی و زندگی در محیط شهری و جمعی بر پایه‌ی دوستی‌ها، صمیمیت و عاطفه شکل می‌گیرد، چون رفتار فرد تابع گروه می‌باشد و از طرفی روابط اجتماعی می‌تواند در فرد احساس تعلق به جمع ایجاد نماید و فرد در محیط بسته‌ی آپارتمانی، خود را در گروه دوستانه‌ای می‌بیند که ممکن است به دلایل مختلف اقتصادی و قومیتی شکل گرفته باشد و با این تفکر که خود را عضو یک گروه اجتماعی می‌داند و به آن تعلق دارد، رفتارش تابع رفتار گروه می‌شود که آن هم با توجه به سطح تحصیلات افراد و همچنین شرایط اقتصادی متفاوت در مناطق مختلف شهری به اشکال گوناگون می‌باشد. کلودفیشر[1] (۱۹۷۵)، صاحب‌نظر اصلی دیدگاه خرده-فرهنگی در مقاله‌ی خود تحت عنوان «به سوی تئوری‌فرهنگی شهرگرایی»، معتقد است درحالی‌که بیشتر تفاوت‌های موجود در روابط اجتماعی بین افراد در کلان‌شهرها به دلیل عوامل زمینه‌ای مثل طبقه و نژاد بوده؛ سهم ویژه‌ی رفتار در بین افراد بر اساس محل سکونتشان متفاوت است. بر اساس دیدگاه خرده فرهنگی در زندگی شهری، ساکنان شهر برای برقراری رابطه با افراد، نسبت به کسانی که در مکان هایی با جمعیت کمتر زندگی می‌کنند دارای تنوع بوده و فرصت بیشتری برای برقراری ارتباط دارند. بر اساس این دیدگاه، تنوع خرده‌فرهنگی شهرها که با اندازه‌ی جمعیت بزرگ ساخته شده، تفاوت‌ها را بین رفتارهای شهری و روستایی ایجاد می‌کند (هاچیسون و گاتدینر، ۲۰۰۶). فیشر زندگی در شهر را تجربه‌ای خطرناک نمی‌دانست، بلکه شهرگرایی را نوعی شیوه‌ی زندگی غنی و امیدبخش می‌دانست (فلاناگان، ۱۹۹۹ نقل از شارع پور، ۶۸:۱۳۸۹). وی در نظریه‌ی خرده‌فرهنگی معتقد است که در زندگی شهری، دنیاهای اجتماعی متنوعی وجود دارد که هریک نگرش و رفتار خاص خود را دارند؛ نظریه‌ی خرده‌فرهنگی معتقد است تضاد و رقابت

[1] Cloud Fisher

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

موجود در زندگی شهری، خرده‌فرهنگ‌ها را تشدید و برجسته می‌کند (کنوکس و پینچ، ۲۰۰۰). کلودفیشر در دیدگاه خرده فرهنگی معتقد است که در روابط اجتماعی میان افراد در زندگی شهری عواملی مانند طبقه‌ی اجتماعی و قومیت نقش بازی می‌کنند و در همین رابطه وی شهرگرایی را یک نوع شیوه‌ی زندگی سرشار و امیدبخش می‌دانست. در زندگی آپارتمانی که از اجتماعات و قومیت‌های مختلفی شکل گرفته است، آن‌چه منجر به همراهی و هم‌دلی افراد می‌گردد، نوعی انسجام‌بخشی و هم‌سویی با نگرش‌های متفاوت بین افراد در قالب حلقه‌های ارتباطی برخوردار از روابط سازنده و مثبت در تعاملات روزمره‌ی افراد فراهم می‌گردد؛ چراکه شناختن و پی‌بردن به هویت، سلیقه، آداب و رسوم، خصوصیات و فرهنگ قومیت‌های مختلف می‌تواند منجر به شکل جدیدی از همبستگی میان افراد گردد.

در رویکرد کنش متقابل نمادین، فرهنگ بر روابط معنادار متقابلی استوار است که بین کنش‌گران در جریان است (حیدرپور و محمدی مزینانی، ۵۶:۱۳۹۳). کنش متقابل نمادین بر این اصل استوار است که انسان‌ها صرفاً در برابر یکدیگر واکنش نشان نمی‌دهند، بلکه اعمال یکدیگر را تعبیر و تفسیر می‌کنند. به سخن دیگر، پاسخ انسان‌ها به اعمال یکدیگر بی‌واسطه صورت نمی‌گیرد، بلکه مبتنی بر معنایی است که به آن اعمال نسبت می‌دهند (کوزر، ٤٤٦:۱۳۸۰). در نظریه‌ی کنش مستدل: هدف، پیش‌بینی کنش و فهم عوامل تعیین کننده‌ی رفتار واقعی است. این نظریه مبتنی بر این مفروضات است که اکثریت کنش‌های اجتماعی تحت کنترل ارادی هستند و انسان‌ها موجوداتی عقلانی‌اند که به‌طور سیستماتیک اطلاعات در دسترس را به منظور رسیدن به تصمیم رفتاری مستدل پردازش می‌کنند. طبق این نظریه عامل تعیین‌کننده بلافاصله‌ی کنش عینی شخص، نیات و مقاصد شخص از انجام آن کنش است (دمینگو، ۷:۱۹۸۹). آیزن و فیش باین[۱] استدلال می‌کنند که مقاصد اشخاص را می‌توان با دانستن گرایش آن‌ها به کنش و نیز هنجارهای ذهنی مرتبط با کنش پیش‌بینی کرد. طبق نظریه ی کنش مستدل[۲]، قصد فرد از به‌کاربستن یک رفتار تابع دو عمل تعیین‌کننده است، یکی خود فرد (اینکه واجد چه گرایش‌هایی است) و دیگری (تأثیر نفوذ

[۱] Eisen and Fisheye
[۲] Reasonable action

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی) است. فاکتور فردی گرایش به رفتار در باور شخص جهت اینکه انجام این رفتار به برآمد و خروجی معینی منتهی می‌شود و باور به اینکه برآمد خروجی خوب یا بد است اشاره دارد. هرچه شخص معتقد باشد با انجام یک رفتار معین، نتایج مثبت معینی حاصل خواهد شد و نتایج منفی اجتناب‌پذیر خواهد بود گرایش به آن رفتار مطلوب‌تر به نظر می‌رسد. به‌طور مشابه اگر با انجام یک رفتار برآمدها و نتایج منفی حاصل شود یا از نتایج مثبت جلوگیری شود، پس گرایش به احتمال زیاد منفی خواهد بود (فیش باین و مانفردو[۱]، ۱۲۳:۱۹۹۲).

گیدنز در کتاب ساختار طبقاتی، کنش و ساختار را دو سوی یک سکه می‌داند و هدف خویش را وفاق میان ساختار از یک سو و نیز اراده و استقلال کنش‌گران از طریق توسعه‌ی فهمی دیالکتیکی از رابطه‌ی کارگزار و ساختار از سوی دیگر می‌داند (مارش و همکاران، ۳۱۵:۱۳۷۸). مراد از این رابطه آن است که ساختارهای اجتماعی ساخته‌ی کنش کنش‌گرانند، درحالی‌که ابزار و وسیله‌ی آن نیز هستند. با آنکه وی شخص را هدف نهایی می‌داند، اما وابستگی او را به دیگران برای امکان کنش متقابل اجتماعی(کنش هدف‌مند) محرز می‌داند که طی آن اشخاص با تجربه‌ی ملموس و مستقیم کنش متقابل به اطمینان می‌رسند. عاملیت در نظر گیدنز نه به نیات ما برای انجام کارها، بلکه به توانایی ما در انجام کارها دلالت دارد. ما قدرت انجام کارها را داریم و عاملیت به آن اعمال مرتبط است که ما مرتکب می‌شویم (گیدنز، ۵۰:۱۹۸۵). روال عادی امور روزمره، هم به تداوم شخصیت عامل وابسته است که چه مرد باشد و چه زن در مسیر فعالیت‌های روزانه‌اش حرکت می‌کند و هم به نهادهای جامعه که از راه انجام چنان فعالیت‌هایی مدام بازتولید می‌شوند (صدیق سروستانی، ٦١:١٣٨٣). آگاهی عملی بر آگاهی از قانون‌ها و توانایی ما به عنوان کنش‌گران ماهر در بازتولید نظام‌ها دلالت دارد. در سطح "آگاهی استدلالی" انسان‌های کنش‌گر همیشه می‌دانند که چه می‌کنند. اما حتی با این فرض، همیشه پیامدهای ناآگاهانه‌ای وجود دارد. کنش انسان به‌عنوان یک جریان مستمر رفتار رخ می دهد. کنش‌گران یک آگاهی استدلالی دارند که ایشان را

[۱] Fishbone and Manfredo

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

قادر به گفت‌وگو و یک آگاهی محلی دارند که آن‌ها را قادر به حرکت می‌کند و یک ناخودآگاه هم دارند که بعضی اوقات در کنش‌هایشان دیده می‌شود، اما در آگاهی استدلالی آن‌ها تأثیر نمی‌گذارد. گیدنز همبستگی اجتماعی را کلید عاملیت افراد و لازمه‌ی بقای جریان کنش متقابل محسوب می‌کند که از انعکاس انتقال رفتار فرد با رفتار دیگران عملی است و موجب معنایافتن کردار و تداوم نظام‌های اجتماعی می‌شود. وی کنش متقابل را متشکل از سه عنصر بنیادی معناداری، نظم اخلاقی(هنجارها) و رابطه‌ی قدرت و تولید کنش متقابل را پدیده‌ای معنادار مبتنی بر دوگانگی درک مقاصد ارتباطی توسط زبان و هنجارها را محدودکننده و هم توانایی‌بخش می‌داند (گیدنز، ۱۵۱-۱۳۸۳:۱۸۲).

روش پژوهش

پژوهش حاضر به لحاظ ماهیت از نوع کاربردی، بر اساس گردآوری اطلاعات، به لحاظ زمانی از نوع مقطعی، بر اساس ماهیت داده‌ها از نوع کیفی و بر اساس جمع‌آوری اطلاعات بر پایه‌ی مصاحبه‌های عمیق انفرادی بازپاسخ و نیمه‌ساختاریافته با ساکنین آپارتمان (گروه هدف) صورت گرفته است. انتخاب نمونه به شیوه‌ی نمونه‌گیری[1] هدف‌مند که بر مفهوم نمونه‌گیری نظری استوار است دنبال گردیده است. بدین گونه که اعضای نمونه بر اساس شناختی که از پدیده‌ی مورد مطالعه دارند، انتخاب می‌شوند. داده‌های به‌دست‌آمده پس از مصاحبه، با استفاده از روش تحلیل تماتیک جهت کدگذاری و ادامه‌ی فرآیند پژوهش، وارد نرم‌افزار تحلیل داده‌های کیفی (maxqda) گردید. کدگذاری داده‌ها به شیوه‌ی تحلیل تماتیک، با هدف الگوبابی از داده‌ها به سه شکل کدگذاری باز، محوری و گزینشی انجام گردیده است. کدگذاری باز به مفهوم‌بندی و مقوله‌بندی تکه‌هایی از داده‌ها تحت یک نام، عنوان یا برچسب‌هایی که به‌طور هم‌زمان هر قطعه از داده‌ها را تلخیص و تشریح می‌کند، اشاره دارد. کدها نشان می‌دهند چطور داده‌ها جهت آغاز مرحله‌ی تحلیل انتخاب، جدا و دسته‌بندی شده‌اند (چارمز، ٤۳:۲۰۰٦؛ محمدپور، ۳۲۸:۱۳۹۰). در

[1] Purposive sampling

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

کدگذاری محوری، مقوله‌ها به صورت یک شبکه با یکدیگر در ارتباط قرار می‌گیرند. هدف این مرحله از کدبندی بازگرداندن نظم و انسجام داده‌های کدبندی شده، دسته‌بندی، ترکیب و سازمان-دهی میزان زیادی از داده‌ها و باز جمع‌کردن آن‌ها به شیوه‌ای جدید است. اشتراس کدبندی محوری را به ساختن یک بافت غلیظ از روابط حول محورهای یک مقوله تعریف می‌کند. بعد از کدبندی محوری، مرحله‌ی نهایی کدبندی گزینشی آغاز می‌شود. در این مرحله، نظریه تقریباً به استحکام رسیده و محقق بعد از انجام برخی اصلاحات نظری ممکن، با مقوله‌های اندکی سروکار دارد. همچنین، تأکید بر آن است که گروه‌بندی به شیوه‌ای صورت پذیرد که در هر گروه مقوله‌های بیشتری جای بگیرند تا کمترین تعداد مضامین با در نظر گرفتن جامعیت و مانعیت آن مضامین حاصل شود (محمدپور، ۱۳۹۰:۳۲۸).

این تحلیل مبتنی بر استقرای تحلیلی است که در آن محقق از طریق طبقه‌بندی داده‌ها و الگویابی درون‌داده‌ای و برون‌داده‌ای به یک سنخ‌شناسی تحلیل دست می‌یابد. به عبارتی تحلیل تماتیک عبارت است از عمل مفهوم‌یابی و شناسایی متغیرهای محوری به هدف کشف این مهم که داده‌ها چه می‌گویند؟ (فیلدینگ۱۹۸٦، به نقل از محمدپور، ٦۷:۱۳۸۹). در ادامه با واکاوی محتوایی مصاحبه‌ها و بر پایه‌ی دیدگاه‌های مشارکت‌کنندگان، مقوله‌ها استخراج و به صورت مدل ترسیم و تفسیر می‌شوند. برای اطمینان از روایی و اعتبار پژوهش حاضر از معیارهای چهارگانه‌ی اعتبارپذیری[1]، به معنای واقعی‌بودن یافته‌ها برای شرکت‌کنندگان پژوهش و برای زمینه‌ای که پژوهش در آن انجام شده است، همچنین ایجاد همخوانی میان واقعیت‌های مورد نظر شرکت-کنندگان و واقعیت‌های ارائه‌شده توسط پژوهش‌گر، انتقال‌پذیری[2]: به معنای درجه‌ی تعمیم‌پذیری یا انتقال نتایج پژوهش کیفی به زمینه‌ها و محیط‌های دیگر و اینکه تا چه حد میان شرایطی که یافته‌ها به آن منتقل می‌شوند و شرایط پژوهش اصلی، مشابهت وجود داشته باشد؛ قابلیت اطمینان[3]: اینکه تمامی تغییرات باید توسط پژوهش‌گر ردیابی شود و از سوی دیگران نیز قابل ردیابی باشد و

[1] Credibility
[2] Transferability
[3] Reliability

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

تأییدپذیری[1]: به این معنا که یافته‌های پژوهش تا چه حد از تأثیر سوگیری ها، علایق و انگیزه یا دیدگاه‌های ویژه‌ی پژوهش‌گر برکنار بوده است، بدین‌گونه که این اطمینان را تأمین می‌کند که داده‌ها، تفسیرها و نتایج را می‌توان تا منابعشان ردگیری کرد، استفاده گردیده است (حریری، ۷۵:۱۳۸۵). مصاحبه‌ها در حجم نمونه‌ای به تعداد ۲۱ نفر از مناطق پرجمعیت شهر مشهد (منطقه‌ی ۲و۹) که به لحاظ کالبدی – ساختی بافت آپارتمانی بیشتری دارند، به شکل رو در رو و عمیق با طرح پرسش های بازپاسخ و نیمه‌ساخت‌یافته معمولاً بین ۳۰ تا ۱۲۰ دقیقه انجام گردیده است. معیار برای پایان دادن به مصاحبه‌ها رسیدن به اشباع نظری است. بر طبق این قاعده، زمانی که محقق دریابد که مصاحبه به حالت تکرار رسیده است و مطلب جدیدی به دانش درباره‌ی پدیده‌ی مورد نظر اضافه نمی‌شود به مصاحبه پایان می‌دهد. بعضی اوقات مصاحبه‌ها به منظور به اشتراک-گذاری یافته‌های آغازین، تکمیل، اصلاح، جرح و تعدیل داده‌ها تکرار و پرسش‌های تکمیلی برای جهت‌دادن به مباحث و نیل به مقوله‌های مرتبط با پدیده مورد بررسی طرح و مجدد بررسی می-گردند.

[1] Verifiability

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی یک- مشخصات کلی مشارکت‌کنندگان در مصاحبه‌های فردی

ردیف	نام	سن	شغل	تحصیلات	مدت سکونت
۱	اقای ر.ع.	٤۹ سال	کارمند	کارشناسی	۱۵سال
۲	آقای م. پ.	٥٤ سال	معلم	کارشناسی ارشد	۱۸سال
۳	اقای م.ق.	٤٦ سال	کارمند	کارشناسی ارشد	۱۳سال
٤	اقای ا.ع.	۳٦ سال	نظامی	کارشناسی	۷سال
٥	آقای ح.ن.	٤۰ سال	آزاد	کارشناسی	۱۰سال
٦	اقای ب.ن	۳۰ سال	کارگر	فوق دیپلم	٦سال
۷	آقای س.ح.	٤۰ سال	مکانیک	کارشناسی	۹سال
۸	آقای م. ج.	٥۰ سال	روحانی	حوزوی	۱٦سال
۹	خانم م. ذ	٤۱ سال	هیأت علمی دانشگاه	دکتری	۱٥سال
۱۰	آقای م. ح	۳۸ سال	کارمند	کارشناسی	۱۱سال
۱۱	خانم ح.ش.	۳٥ سال	خانه‌دار	دیپلم	۹سال
۱۲	خانم م. س.	٤۸ سال	خیاط	دیپلم	۱۲سال
۱۳	آقای ا. ب.	٤۰ سال	کارگر	دیپلم	٥سال
۱٤	خانم ز.ک.	٤۲ سال	خانه‌دار	کارشناسی ارشد	۱۷سال
۱٥	خانم ع. ش	۲۸ سال	دانشجو	کارشناسی	۱۰سال
۱٦	آقای م. ن	۲۷ سال	کارمند	کارشناسی ارشد	۸سال

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

ردیف	نام	سن	شغل	تحصیلات	مدت سکونت
۱۷	خانم م. م	٤٤ سال	کارمند	دکتری	١٤سال
۱۸	خانم ش. و.	٤٠ سال	کارمند	کارشناسی	١٦سال
۱۹	آقای ح. ن.	٤٧ سال	پیمانکار	کارشناسی ارشد	١٤سال
۲۰	آقای م ح. م	٥٠ سال	آزاد	دیپلم	٥سال
۲۱	آقای م.س.	٣٦ سال	آزاد	سیکل	٩سال

یافته‌های پژوهش

در پژوهش حاضر، کدگذاری باز با شروع مصاحبه‌ها و جمع‌نمودن داده‌ها از مصاحبه‌ی اولیه آغاز و پس از آن با چند سری مرور مصاحبه‌های پیاده‌شده ادامه می‌یابد تا از این طریق به فهم کلی و همه‌جانبه از مصاحبه‌ها دست یافت. کدگذاری تا زمان رسیدن به اشباع نظری هنگامی که مفهوم و مقوله‌ی جدیدتری با نمونه‌برداری جدید و مصاحبه‌ی بعدی قابل افزودن نباشد، ادامه می‌یابد. فرآیند کدگذاری اولیه با شناسایی جملات و پاراگراف‌های دارای معنای خاص که مصاحبه شوندگان به یک سؤال می‌دهند، آغاز و سپس مفاهیم اصلی در هر واحد تحلیل قرار داده می‌شوند و به هر واحد معنایی نیز یک کد برتر و سپس زیر کدهایی که یک یا چند قسمت از متن مربوط به مفاهیم مشابه می‌باشد، بیرون کشیده و به کد برتر مربوطه متصل می‌گردند. در راستای هدف پژوهش"تحلیل نظام معنایی از مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی"معانی مختلف این مهم جهت ادامه‌ی فرآیند پژوهش (انواع کدگذاری ها) در جداول زیر ارائه گردیده است.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

جدول شماره‌ی دو- مفاهیم استخراج‌شده از مصاحبه‌ها و کدهای برگرفته از آن‌ها

ردیف	مجموعه مفاهیم برگرفته از مصاحبه‌ها	کدگذاری باز	ردیف	مجموعه مفاهیم برگرفته از مصاحبه‌ها	کدگذاری باز
۱	برخورداری از عقاید جمعی	حلقه‌ی ارتباط بین افراد	۱۷	رعایت بهداشت و نظافت محیط	اخلاق‌مداری
۲	تحمل‌کردن یکدیگر از روی آگاهی	انسجام‌بخشی	۱۸	رعایت نظم	
۳	کنار آمدن قومیت‌های مختلف با یکدیگر			نگاه دین‌مدارانه به زندگی جمعی	
	مساوی شرایط آپارتمانی زندگی‌کردن			از خود گذشتگی داشتن	
٤	هماهنگ و هم‌سو بودن با همدیگر			از همدیگر عمل درست یاد گرفتن	
۵	وجود رفتارهای متفاوت با هر منطقه شهری	تفاوت و تنوع‌طلبی زیستی	۱۹	برخورد کریمانه با همسایه‌ها	سپاس‌گزاربودن
٦	احساس غریبگی و رو دروایسی داشتن			حسن خلق و خوش‌رویی نسبت به یکدیگر	
				داشتن آداب معاشرتی مناسب	
۷	پیشینه‌ی سکونتی سازنده	اصیل‌بودن	۲۰	نظارت و کنترل بر رفتار همسایه‌ها	نظارت، صراحت و شفافیت
۸	سرکوب‌کردن عواطف کودکان	الگوهای جدید زندگی	۲۱	پرهیز از نگهداری حیوانات مختلف در آپارتمان	گرایش غیر دینی پیدا کردن
۹	گسترش فقر حرکتی افراد				
۱۰	جابجایی‌های پی در پی و ناسازگاری	انطباق با شرایط محیط زندگی جدید	۲۲	پرهیز از رفتارهای ناشایست	احترام متقابل
۱۱	تلاش در راستای فرهنگ-سازی مجدد از پایه			بی‌تفاوتی و ناسازگاری مستأجران	
۱۲	الگوپذیری بچه‌ها از محیط و هم‌سالان خود			عملکرد صحیح و به‌موقع افراد	
۱۳	تأثیرپذیری از رفتار سایرین			رفت‌وآمدهای ضعیف و تحت شرایط افراد	پرهیز از فردگرایی
۱٤	تغییر شیوه‌ی زندگی				

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۵	کاهش هزینه‌های مازاد			ضعف در روابط خانوادگی	
۱۶	استفاده‌ی بیشتر از متخصصان نهادهای مختلف در زمینه‌ی انواع مشاوره‌ها و اعمال سلیقه‌ها			بی‌خبری از حال و روز همدیگر	
۱۸	دور شدن ناخواسته از طبیعت	حفظ رویه‌ی زندگی حیاط مرکز	۲۳	تذکردادن غیر مستقیم نسبت به هم	عدم قضاوت و دخالت در امور دیگران
۱۹	وجه خلاف زندگی به شکل خانواده سنتی و گسترده				
۲۱	انتظار بی‌جا داشتن از همسایه‌ها	بی‌معنایی همسایگی	۲٤	جمع‌گرایی و داشتن روحیه‌ی مشارکتی	جمع‌گرایی و داشتن روحیه‌ی مشارکتی
۲۲	عادی جلوه دادن رفتاری های ناپسند خود			مشارکت حداکثری و به‌موقع همسایه‌ها	
۲۳	توفیق اجباری				
۲٤	محدودیت داشتن در محیط جمعی			ملزم‌شدن به پرداخت هزینه‌های مصرفی	
۲۵	چهار دیواری اختیاری				
٤٤	برخورداری از منش بالا	رفتار بر پایه‌ی اطمینان	۲۵	پرهیزکردن از زندگی مصلحتی	تجلی اراده
٤۵	احترام‌گذاشتن به خود و دیگران				
٤٦	داشتن اخلاق مورد قبول همه	انسجام هنجاری	۲٦	صداقت‌داشتن و روراست بودن نسبت به هم	صراحت و صداقت
٤۷	اصالت خانوادگی داشتن				
٤۸	مشارکت پرقدرت و مدیریت یکپارچه	مشارکت مدیریتی بالا	۲۷	همدیگر را قبول داشتن	خوشبینی

بنا بر جدول شماره‌ی (۲)، در سطح دوم کدگذاری، کدهای برتر با معنای مشابه با یکدیگر دسته بندی شدند و طبقات را تشکیل می‌دهند. با توجه به واحدهای ذهنی طبقه‌بندی و دسته‌بندی شده، مقوله‌ها ظاهر می‌شوند. یک مقوله، گروهی از واحدهای معنایی است که مراحل تفاوت را در بین واحدهای معنایی درون یک مقوله و حداکثر تفاوت را بین واحدهای معنایی مقولات دیگر دارند.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

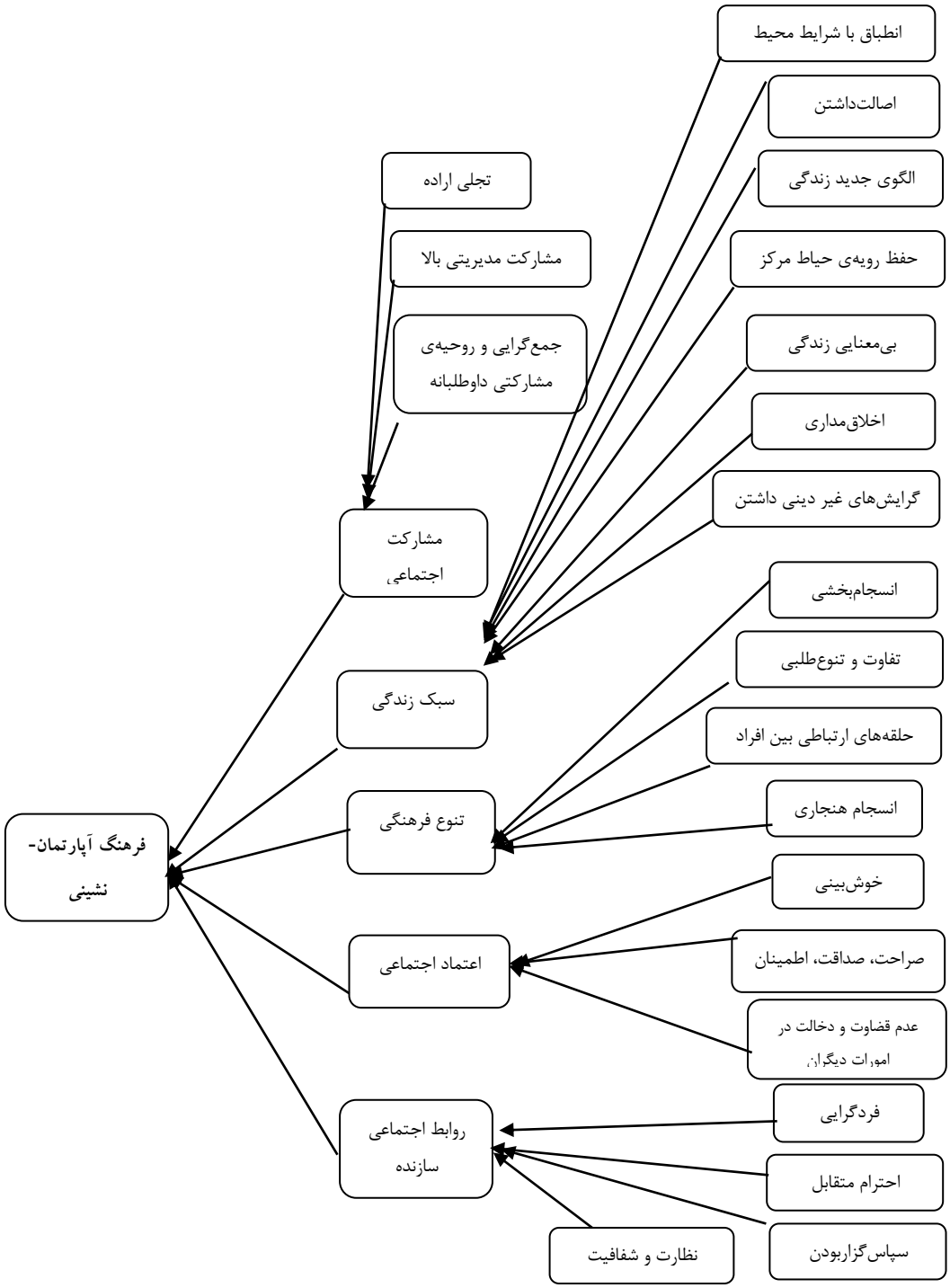
در این مرحله برای هر مقوله نامی که در برگیرنده‌ی محتوای مشترک همه‌ی واحدهای معنایی موجود در آن مقوله هست، در نظر گرفته می‌شود.

جدول شماره‌ی سه- مقوله‌های فرعی و اصلی برگرفته از مفاهیم طبقه‌بندی شده.

مفاهیم کدگذاری باز	کدگذاری گزینشی	کدگذاری انتخابی
حلقه‌ی ارتباط بین افراد، انسجام‌بخشی،	تنوع فرهنگی	
تفاوت و تنوع‌طلبی زیستی		
اصیل‌بودن، الگوهای جدید زندگی		
انطباق با شرایط محیط زندگی جدید	سبک زندگی	
حفظ رویه‌ی زندگی حیاط مرکز		
بی‌معنایی همسایگی، گرایش غیر دینی پیداکردن		فرهنگ آپارتمان‌نشینی
اخلاق‌مداری		
نظارت و شفافیت، سپاس‌گزاربودن		
احترام متقابل، پرهیز از فردگرایی	روابط اجتماعی سازنده	
عدم قضاوت و دخالت در امور دیگران		
رفتار بر پایه‌ی اطمینان، انسجام هنجاری		
خوش‌بینی، صراحت و صداقت	اعتماد اجتماعی	
تجلی اراده، مشارکت مدیریتی بالا، جمع‌گرایی	مشارکت اجتماعی	

بنا بر جدول شماره‌ی (۳)، در سطح سوم، مقولات مجدد گروه‌بندی و مضامین اصلی به‌دست می آیند. یک مضمون می‌تواند مبین محتوای پنهان متن در نظر گرفته شود. در این مرحله تأکید بر آن است که در هر گروه مقوله‌های بیشتری جای بگیرند تا کمترین تعداد مضامین با در نظر گرفتن جامعیت و مانعیت آن مضامین حاصل شود که درنهایت تعداد ۵ مضمون (تنوع فرهنگی، سبک زندگی، روابط اجتماعی سازنده، اعتماد اجتماعی و مشارکت اجتماعی) شکل گرفت که در مجموع بر اساس گزاره‌های به‌دست‌آمده از مصاحبه‌ها می‌توان عوامل تأثیرگذار و همچنین مرتبط با پدیده-ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی را در آن‌ها بررسی کرد.

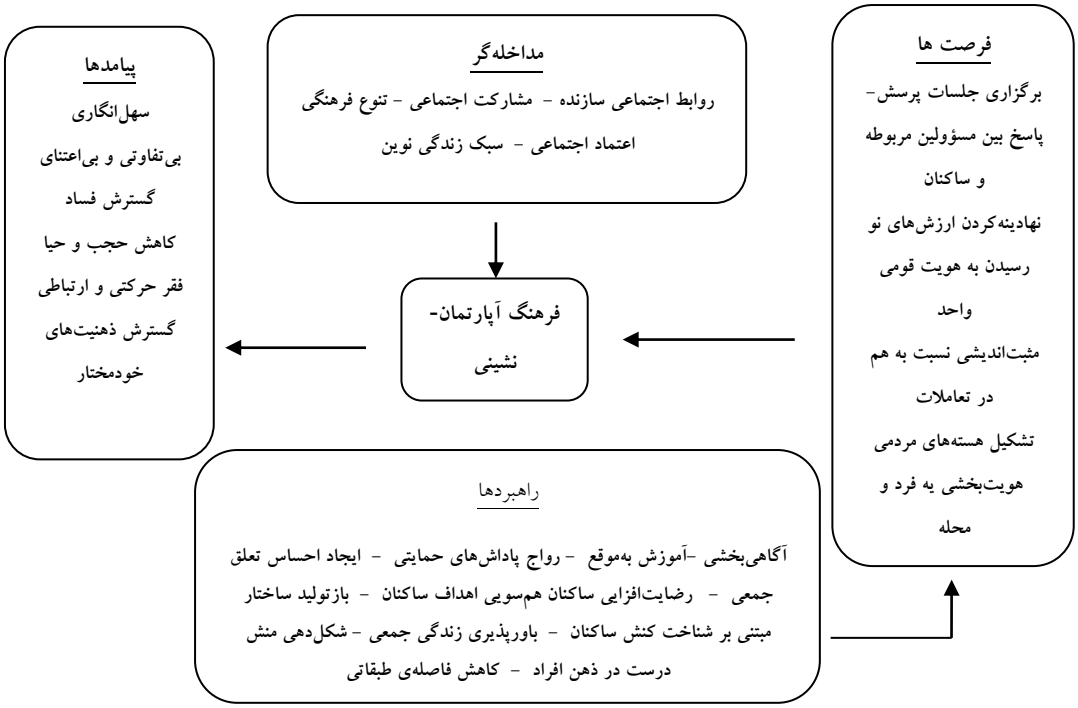
[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]



نمودار شماره‌ی یک- مدل مفهومی فرهنگ آپارتمان‌نشینی برگرفته از مصاحبه‌ها

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

در پاسخ به سؤال دوم پژوهش، الگوی به‌دست‌آمده موازی نظریه‌های جامعه‌شناسی در راستای تحلیل شرایط کیفی محیط زندگی جمعی افراد (آپارتمان)، رویکردی است که منجر به کاهش مشکلات زندگی آپارتمانی و شرایط ویژه‌ی آن می‌گردد.



نمودار شماره‌ی دو- الگوی تحلیلی پژوهش

بررسی تحلیل و ارتباط مقولات مکشوفه با این شیوه از زندگی (آپارتمان‌نشینی)، جهت رشد و ارتقای فرهنگ زندگی جمعی در ادامه و در همین راستا ارائه گریده است.

مقوله‌ی تنوع فرهنگی: تنوع فقط شامل تفاوت در سن، نژاد، جنس، توانایی جسمی، نوع جنسیت، طبقه‌ی اقتصادی-اجتماعی، دین، تحصیلات، اصالت و زبان نمی‌شود، بلکه باید مواردی مانند تفاوت در تجربه‌های زندگی، موقعیت خانوادگی، شخصیت، وظایف‌کاری، جایگاه سلسله مراتبی و مشخصه‌های دیگری را نیز که به جنبه‌ی فردی شکل می‌دهد در برگیرد (شاه طهماسبی و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

همکاران، ۱۸:۱۳۸۸). تنوع فرهنگی،[1] در جوامعی پیش می‌آید که در آن‌ها خرده‌فرهنگ‌ها تعدد و تکثر داشته باشند. عموماً خرده‌فرهنگ به باورها، هنجارها و آداب و رسوم رایج در میان گروهی از مردم گفته می‌شود که با باورها و آداب و رسوم متداول در کل جامعه فرق داشته باشد (صالحی امیری، ۲۸:۱۳۸۸). تنوع فرهنگی یکی از مفاهیم به‌دست‌آمده از دل مصاحبه‌ها می‌باشد. از آن‌جایی- که در آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی افرادی با سلیقه‌ها، آداب و رسوم متفاوت گرد هم جمع می‌آیند و در محیط کوچک به شکل طبقاتی با یکدیگر زندگی می‌کنند، قطعاً انتظار رفتارهایی متفاوت از هرکدام از افراد می‌رود که از نظر خودشان صحیح می‌باشد. این‌گونه تجمعات ناخواسته با ویژگی های متمایز و وابسته به آن، ضمن اینکه می‌تواند نقاط قوتی مانند(همبستگی) ایجاد نماید در بیشتر موارد منجر به ایجاد ناراحتی‌ها و تفاوت‌هایی در رفتار شده که چه بسا پیامد درگیری میان ساکنان را نیز فراهم می‌سازد.

مقوله‌ی سبک زندگی: به اعتقاد بوردیو[2] شکل‌گیری سبک‌های زندگی[3]، متناسب با ساختاراجتماعی[4] صورت می‌گیرد. سبک‌های زندگی حالتی از انباشتگی سرمایه‌ها در فضای اجتماعی است که با توجه به منش فردی به وجود می‌آید. همچنین افراد در فضاهای اجتماعی، فعالیت‌ها و کنش‌های غایت‌مندی را بر اساس علایقشان انجام می‌دهند و از راه‌های مختلفی برای دست‌یابی و ارضای علایق استفاده می‌کنند؛ مثل سرگرمی‌ها، بازی و ورزش، روابط اجتماعی، فرهنگ و.... که رسیدن به این علایق می‌تواند هم در حوزه‌ی عمومی باشد و هم در حوزه‌ی خصوصی. از آن‌جاکه انسان هم محصول اجتماع است و هم سازنده‌ی آن، در ارتباط با دیگران می تواند جهت‌های متفاوتی را در علایق خود پی‌ریزی کند. این عوامل می‌توانند جزئی از سبک زندگی افراد تلقی شوند. با توجه به این نکته، مکان دیگران و همچنین انواع فعالیت‌هایی که توسط افراد در زمینه و فضای خاص اجتماعی انتخاب می‌شود، می‌تواند سبک زندگی افراد را که با میدان های مختلفی روبه‌رو هستند، تشکیل دهد (بوردیو، ۲۸۲:۲۰۰۲). سبک زندگی مقوله‌ی دیگری از مبحث فرهنگ آپارتمان‌نشینی است که در محیط‌های آپارتمانی، افرادی که از شهرها و روستاهای کوچک در محیط کوچک‌تری به نام آپارتمان گرد هم آمده‌اند، با هجمه‌ی وسیع گرایش‌های غیر

[1] cultural diversity
[2] Bourdieu
[3] Lifestyle
[4] Social construction

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

دینی ایجادشده و با فاصله‌گیری از اصالت پیشین خودشان؛ دچار نوعی بی‌معنایی در زندگی جمعی گشته و از آن‌جایی‌که این گونه از افراد نمی‌توانند خودشان را با شرایط جدید در محیط آپارتمانی تطبیق دهند، ضمن فاصله‌گیری از برخی اصول اخلاقی، شرایط زندگی را برای سایرین سخت‌تر می‌کنند و همچنین با دنبال‌نمودن و برخوردارشدن از یک الگوی صحیح زندگی می‌توانند در ارتقای شخصیت تعاملی خود و نیز در پرورش شخصیت کودکان تأثیرات به‌سزایی داشته باشند.

مقوله‌ی روابط اجتماعی سازنده: اصطلاح رابطه‌ی اجتماعی برای ترسیم شرایطی به کار می‌رود که دو یا چند نفردر رفتاری مشارکت دارند که در چارچوب آن هریک از آنان، رفتار دیگری را به طرز معناداری به حساب می‌آورند و در نتیجه، رفتار مذکور بر همین اساس جهت می‌یابد. بنابراین، رابطه‌ی اجتماعی عبارت از این احتمال است که افراد به طریقی قابل تعیین و معنادار، رفتار خواهند کرد. رابطه‌ی اجتماعی می‌تواند از طریق رضایت متقابل مورد توافق قرارگیرد (وبر، ۸۰:۱۳۸٦). روابط اجتماعی سازنده و مفید میان همسایه‌ها در مجموعه‌های آپارتمانی مقوله‌ی دیگری از فرهنگ آپارتمان‌نشینی است، که بستر شکل‌گیری و کاهش خیلی از مسائل و مشکلات دیگر را فراهم می‌سازد؛ زیرا زمانی‌که مجموعه‌ای از افراد در همسایگی هم از روابط حسنه و مورد انتظار در جهت منافع مشترک یکدیگر برخوردار نباشند و از طرفی روابط سرد، خشک و بی‌روح را در تعاملات روزمره‌ی خودشان جایگزین نمایند، دچار بیگانگی و بی‌تفاوتی نسبت به یکدیگر و مسائل پیرامونی خودشان می‌شوند و در نتیجه عدم توجه به همدیگر ناخواسته زمینه‌ی بروز رفتارهای پرخطر بین افراد را فراهم می‌کند.

مقوله‌ی اعتماد اجتماعی: پاتنام[1]، اعتماد را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه‌ی اجتماعی می‌داند. بر اساس دیدگاه او، سرمایه‌ی اجتماعی را می‌توان شبکه‌هایی از انجمن‌های ارادی و خودجوش معرفی کرد که به‌وسیله‌ی اعتماد، گسترش یافته‌اند. اعتماد و مشارکت به‌طور متقابل به یکدیگر وابسته‌اند، اعتماد از زندگی گروهی پدید می‌آید و در همان زمان، امکانات خودجوش را برای شکل‌گیری و تشکیل انجمن‌ها فراهم می‌سازد (پاتنام، ٦٨:۱۹۹۵). پاتنام عقیده دارد که اعتماد، همکاری را شکل می‌دهد و هرچه سطح آن در جامعه‌ای بالاتر باشد احتمال همکاری هم بیشتر

[1] Putnam

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

خواهد بود و همکاری نیز متقابلاً ایجاد اعتماد می‌کند. اعتماد یکی از عناصر ضروری تقویت همکاری است. عنصری غیر اختیاری و ناآگاهانه نیست. اعتماد مستلزم پیش‌بینی رفتار بازیگر مستقل است. شما برای انجام کاری صرفاً به این دلیل که فردی یا نهادی می‌گوید، آن را انجام خواهید داد. به او اعتماد نمی‌کنید، بلکه تنها به این دلیل به او اعتماد می‌کنید که با توجه به شناخت‌تان از خلق و خوی او، انتخاب‌های ممکن او، تبعات و توانایی‌های او، حدس می‌زنید که او از پس انجام کار برخواهد آمد و در جوامع کوچک این پیش‌بینی بر اساس چیزی انجام می‌شود که برنارد ویلیامز[1] آن را اعتماد صمیمانه می‌نامد، یعنی اعتمادی که به آشنایی نزدیک با فرد بستگی دارد. در جوامع بزرگ‌تر و پیچیده‌تر نوعی اعتماد غیرشخصی‌تر و یا غیرمستقلی از اعتماد ضرورت دارد (پاتنام، ۹۲:۱۳۸۰). مبتنی بر مصاحبه‌های انجام‌شده، اعتماد اجتماعی مقوله‌ی دیگری در مبحث فرهنگ آپارتمان‌نشینی است که منجر به همبستگی بیشتر میان ساکنان می‌شود و از طرفی، بی اعتمادی در میان ساکنان آپارتمان منجر به دور شدن از یکدیگر و غریبه‌ماندن در کنار هم می‌شود. در این باره پایه‌ی اعتماد نسبت به هم در محیط‌های کوچک و غریبه‌ی آپارتمانی، داشتن صداقت در گفتار و عملکرد افراد در واقعیت می‌باشد؛ چرا که عملکرد رفتاری مناسب و مداوم می‌تواند اطمینان خاطر مثبت نسبت به هم ایجاد و از طرفی خوش‌بینی نسبت به یکدیگر موجب انسجام بیشتر میان افراد می‌گردد.

مقوله‌ی مشارکت اجتماعی: گائوتری[2]، مشارکت را فرآیندی عمومی، یکپارچه، چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی می‌داند که هدف آن کشاندن همه‌ی مردم به ایفای نقش در همه‌ی مراحل توسعه می‌باشد (ازکیا وغفاری، ۱۸:۱۳۸۰). گائوتری، جهت ایجاد بسترسازی‌های مناسب برای مشارکت مردم حداقل چهار شرط عمده را لازم می‌داند، که این شروط عبارت‌اند از۱- ایدئولوژی مشارکت (بعد هنجاری) ۲-نهادهای مشارکتی (بعد سازمانی) ۳ - اطلاعات کافی ٤ - امکانات مادی و تخصصی لازم. وجود این شروط به عقیده‌ی گائوتری، به نهادینه کردن و تثبیت فرآیند مشارکت در جامعه منجر می شود (نوروزی و بختیاری، ۲۵۳:۱۳۸۸). گائوتری در زمینه‌ی مشارکت اجتماعی معتقد است که مشارکت فرآیند عمومی، یکپارچه،

[1] Bernard Williams
[2] Gautri

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

چندگانه، چندبعدی و چندفرهنگی است که هدف آن هدایت همه‌ی افراد به انجام نقش‌هایشان در تمام مراحل توسعه است. لذا زمینه‌ی مشارکت در زندگی آپارتمانی که بیشتر رنگ‌وبوی شعار هرکسی برای خود را دارد و یا در ظاهر امر همه‌ی افراد مشارکت می‌کنند اما در واقعیت همه به‌دنبال منافع فردی خود هستند، متفاوت می‌باشد؛ چراکه زمانی مشارکت معنای واقعی پیدا می‌کند که در قالب اراده، تجلی یابد و منجر به زنده‌شدن روح مشارکت داوطلبانه و جمع‌گرایی در فرد شود و بتواند وی را در تمام مشارکت‌ها مدیریت نماید. در چنین شرایطی می‌توان بیان داشت که مطابق ایده‌ی گائوتری افراد جهت توسعه و بهبود فرهنگ زندگی جمعی‌شان می‌توانند به شکل داوطلبانه در تمام امورات در کنار مدیریت ساختمان ایفای نقش جدی و مشارکت جمعی در راستای حفظ منافع جمعی داشته باشند. مشارکت اجتماعی از مقولات حائز اهمیت در زندگی آپارتمانی می‌باشد که درست در نقطه ی مقابل آن، عدم مشارکت در تمام امورات عمومی و بی‌توجهی یا فرار از زیر بار مسؤولیت، زندگی در محیط جمعی را برای سایرین سخت و شکننده‌تر می‌کند؛ چراکه زندگی بر پایه‌ی هم زیستی به شکل دسته‌جمعی نیازمند مشارکت گسترده و پیوسته‌ی همه‌ی اعضای گروه می‌باشد و عدم مشارکت و مسؤولیت‌گریزی منجر به این می‌شود که رفته‌رفته افراد فعال و مسؤولیت‌پذیر هم احساس یأس و ناامیدی نموده و به مرور زمینه‌ی نفرت در آنان ایجاد شده و در نهایت این عمل منجر به جابه‌جایی و نقل مکان آنان می‌گردد و زمینه برای شیوع انواع بزه‌کاری‌ها توسط عده‌ای بی مسؤولیت در آن محیط فراهم می‌شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهادهای پژوهش

در گذشته اغلب واحدهای مسکونی در کلان‌شهر مشهد به شکل خانه‌های حیاط مرکز(ویلایی) بوده است. رشد روزافزون جمعیت و مهاجرت‌های گسترده به سمت جذابیت‌های زندگی شهری منجر به افزایش تقاضا جهت زندگی آپارتمانی گردیده است، شهر مشهد نیز به‌عنوان یک کلان‌شهر از این قاعده مستثنی نمی‌باشد. لذا این پدیده‌ی تقریباً نوظهور با عقاید، خصوصیات، ویژگی‌های شخصیتی افراد، آداب و رسوم قومیت‌های مختلف به شکل هم‌سو و همگام پیش نرفته و همیشه مشکلات فراوانی را با خود به همراه دارد. پژوهش حاضر در جست‌وجوی پاسخ به دو سؤال است: ۱- برداشت ذهنی کنش‌گران (ساکنان آپارتمان) از مفهوم فرهنگ آپارتمان‌نشینی چیست؟ ۲-الگوی بهینه‌ی فرهنگ آپارتمان‌نشینی از دیدگاه ساکنین آپارتمان شهر مشهد چیست؟ در همین جهت پس از مصاحبه با ساکنان آپارتمان‌نشین مضامینی در قالب روابط اجتماعی سازنده، مشارکت

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

اجتماعی، تنوع فرهنگی، اعتماد اجتماعی و سبک زندگی نوین از نگاه آنان نمایان گشت. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می دهد که فرهنگ آپارتمان‌نشینی صرفاً مجموعه‌ی قوانین و مقررات مکتوب و از قبل مشخص‌شده‌ای که بایستی بر طبق آن عمل شود نبوده؛ بلکه در کنار عملکرد افراد در محیط زندگی جمعی، عوامل ساختاری نیز نقش اساسی و مهمی دارند. از منظر جامعه‌شناسی اگر چه رفتار افراد در سایه‌ی کنش‌های متقابل اجتماعی وابسته به آگاهی و اراده‌ی انسانی است، اما این رفتار براساس دیدگاه گیدنز در یک ساختار یا چارچوب اجتماعی که فرد، درون آن محصور گردیده است، دنبال و همچنین در قالب دیدگاه‌های جبرگرایی، ترکیب‌گرایی و خرده-فرهنگ‌گرایی قابل فهم، توضیح و تبیین است. در دیدگاه جامعه‌شناسی ساختارگرایی، مجموعه قوانین، هنجارها و نقش‌ها از عناصر مهم ساختاری هستند که موجب ترغیب و تهدید رفتاری در افراد می‌شوند و نقش کلیدی در عملکرد اجتماعی افراد دارند. مبتنی بر یافته‌های پژوهش، در بخش قوانین موجود نیز همچنان نارسایی‌هایی مشاهده می‌شود که نقش تعیین‌کننده‌ای بر عملکرد افراد در محیط‌های زندگی جمعی دارند. بدون شک؛ شکاف بین کم‌رنگ‌بودن قوانین و یا ضعف در رفتار صحیح افراد، باعث می‌شود که ساکنان آپارتمان همیشه درگیر قوانین نانوشته‌ی پیرامون خودشان باشند. از طرفی هنجارها هم به‌عنوان عنصر ساختاری مناسب، با وجودی که نامدون و نامکتوب هستند؛ به دلیل آنکه خود افراد جامعه ضمانت اجرایی آن‌ها را به عهده دارند؛ هم باعث منع بعضی از رفتارهای ناشایست و هم منجر به ترغیب رفتار مثبت در افراد می‌شوند. مهم‌ترین کنش‌گران سیستم زندگی اجتماعی در محیط‌های آپارتمانی خود ساکنان، مدیران، افراد خدمه و انتظامات آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی می‌باشند که هر کدام نقش تعیین‌کننده‌ی رسمی و غیر-رسمی در پیشبرد اهداف‌شان دارند. به‌گونه‌ای که اگر هر کدامشان از نقش و وظایف محوله‌ی خود فاصله بگیرند؛ بی‌نظمی فراگیر می‌شود و بر ساختار موجود تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین موازی رویکرد کنش گرایی، کنش‌افراد ارادی، تفسیری و مبتنی بر تحلیل هزینه-پاداش می‌باشد. قطعاً افراد رفتارشان را با برداشت‌های ذهنی نسبت به رفتار سایرین تنظیم می‌کنند و سعی دارند منافع فردی خود را در سایه‌ی منافع جمعی دنبال کنند. به این ترتیب ساکنان با در نظرگرفتن و ارزیابی هزینه-پاداش و حتی انتظارات دیگران مهم، رفتارشان را تنظیم می‌کنند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهند افراد با سنجش میزان سودمندی، آسایش و نفع‌خواهی خودشان نسبت به دیگران رفتار می‌کنند که در بعد جبرگرایی زندگی اجتماعی را به سمت بی‌تفاوتی، عدم همکاری، فرار از زیر بار مسؤولیت و عدم اعتماد سوق می‌دهند. لذا این ضعف را می‌توان با ایجاد ذهنیت مثبت نسبت به یکدیگر و

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

پایداری آن در تغییر رفتار و عملکرد صحیح افراد نهادینه نمود، این فرآیند می‌تواند از طریق ایجاد حلقه‌های دوستانه و کم‌کردن فاصله‌های اجتماعی و اولویت قراردادن ارزش‌ها و هنجارهای زندگی جمعی با آگاهی‌بخشی در ساکنان آپارتمان شکل بگیرد؛ چرا که بایستی ابتدا در نگرش و ذهنیت افراد تغییرات لازم ایجاد گردد تا هم‌جهت با ساختار اصلاحی، هم‌نوایی بیشتری ذیل تنوع فرهنگی ایجاد شود تا افراد بتوانند با ساختار موجود به تطابق کامل دست یابند. شناسایی دلایل لازم که منجر به آگاهی از چرایی انجام یک عمل می‌گردد، به‌عنوان یک گام اساسی برای تغییر شرایط موجود ضروری می‌باشد. گام بعدی، ابزارهای اجتماعی- فرهنگی در پاداش‌های حمایتی، بازتولید ساختارهای مبتنی بر شناخت کنش افراد، افزایش رضایت، هم‌سویی اهداف ساکنان، کاستن فاصله های طبقاتی ایجاد شده، عدم تبعیض در هزینه‌ها و امکانات نواحی و مناطق مختلف شهری است که مشکلات شکل گرفته در محیط جمعی را کاهش می دهد. آن‌چه در این پژوهش مشهود می باشد، برخی رفتارهای سرد، خشک، بی‌روح و ظاهری ساکنان آپارتمان به‌عنوان همسایه نسبت به یکدیگر هست که می‌توان با تقویت، بهبود و یا اصلاح الگوهای رفتاری در قالب محدودیت‌ها و حمایت‌های ساختاری این ضعف را کاهش داد و گامی در جهت بهبود فرهنگ زندگی در محیط جمعی فراهم نمود. در ادامه، پیشنهادهای پژوهشی برای رشد و گستره‌ی فرهنگ زندگی آپارتمان نشینی مطرح می‌گردد. ۱: بررسی و مطالعات بین رشته‌ای گسترده‌تری حتی به صورت پژوهش‌های ترکیبی در مورد عوامل وضعیت زندگی آپارتمان‌نشینی پس از مهاجرت‌های بی‌رویه و افزایش جمعیت، در یک مقطع زمانی خاص، به صورت دسته‌بندی مناطق و تفکیک کامل هر منطقه، با توجه به ظرفیت و امکانات موجود همان منطقه. ۲: ریشه‌یابی عوامل مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک‌تر و همچنین عوامل تنش‌زا بین افراد تازه وارد به زندگی شهری و آپارتمانی، با هویت‌های فرهنگی متفاوت در جهت کاهش آسیب‌های این بخش و ارتقای فرهنگ زندگی جمعی. ۳: مطالعه‌ای جامع، فراگیر و بین رشته‌ای به‌طور سالانه در رشته‌های جامعه‌شناسی، روان شناسی، مردم‌شناسی و حقوق با توجه به مسائل پیرامون زندگی آپارتمانی و کشف مؤلفه‌ها و مقولات آن در زوایای پیدا و پنهان فرهنگ آپارتمان‌نشینی.

٤: توجه ویژه و همه‌جانبه‌ای نسبت به خصوصیات افراد آپارتمان‌نشین با فرهنگ‌های متفاوت و ارزش‌های مشترک در زمان طراحی آپارتمان‌ها و مجتمع‌های مسکونی جهت کاهش آسیب‌های اجتماعی مرتبط با آن.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

منابع

۱. ازکیا، مصطفی و غلامرضا غفاری (۱۳۸۰) «بررسی رابطه بین اعتماد و مشارکت اجتماعی در نواحی روستایی شهر کاشان»، **نامه‌ی علوم اجتماعی**، (۱۷): ۳۲-۱۳.

۲. بهروان، حسین (۱۳۷۹) «**موقعیت اجتماعی فرهنگی مشهد: تحلیل ثانویه‌ی پیمایش ارزش‌ها و نگرش‌های ایرانیان**»، تهران، طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.

۳. **آمارنامه شهر مشهد**(۱۳۹۲)، شهرداری مشهد.

٤. جوکار، علی قلی؛ کاشانی، حمید و حسین فکر آزاد (۱۳۹٦) «مطالعه‌ی عوامل موثر بر پیامدهای فرهنگی آپارتمان‌نشینی در ایران: با تأکید بر کلانشهر تهران»، **مطالعات راهبرد توسعه**، شماره‌ی ۵۲: ۱۹٤-۱۵۳.

۵. حیدرپور، محمد و آتوسا محمدی مزینانی (۱۳۹۳) **جامعه‌شناسی فرهنگ**، تهران: جامعه شناسان.

٦. حریری، نجلا (۱۳۸۵) **اصول و روش‌های پژوهش کیفی**، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.

۷. شارع‌پور، محمود (۱۳۸۹) **جامعه‌شناسی شهری**، چاپ دوم، تهران: سمت.

۸. شاه طهماسبی، اسماعیل؛ اسدالهی، ناهید و ابوذر غلامعلی زاده (۱۳۸۸) «مدیریت تنوع؛ منبع جدید مزیت رقابتی»، **ماه‌نامه‌ی تدبیر**، شماره‌ی ۲۰۵: ۲۲-۱٦.

۹. صدیق سروستانی، رحمت‌اله (۱۳۸۳) «**روابط همسایگی در تهران**»، طرح تحقیق، دانشگاه تهران، شماره‌ی یک، جلد دوم.

۱۰. صالحی امیری، سیدرضا (۱۳۸۸) **انسجام ملی و تنوع فرهنگی، تهران:** مجمع تشخیص مصلحت نظام، مرکز تحقیقات استراتژیک.

۱۱. عرفانیان قصاب، المیرا؛ بهروان، حسین و علی یوسفی (۱۳۹۵) «**بررسی موانع و راه کارهای ارتقاء فرهنگ آپارتمان‌نشینی در شهر مشهد**»، پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد، دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی، گروه علوم اجتماعی.

۱۲. کوزر، لوییس (۱۳۸۰) **زندگی و اندیشه‌ی بزرگان جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: علمی.

۱۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۷۳) **جامعه‌شناسی**، ترجمه‌ی منوچهر صبوری، تهران: نی.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

۱۴. محمدپور، احمد (۱۳۸۹) **ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی**، جلد اول، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۵. محمدی، فرزانه؛ حقیقتیان، منصور و اصغر محمدی (۱۳۹۷) «عوامل مؤثر بر تعاملات اجتماعی شهروندان آپارتمان‌نشین»، مطالعه‌ی موردی: شهر شیراز»، **فصل‌نامه‌ی پژوهش و برنامه-ریزی شهری**، دوره‌ی ۹، شماره پیاپی ۳۵: ۵۶-۴۷.

۱۶. محمدپور، احمد (۱۳۹۰) **روش تحقیق کیفی ضد روش ۲**، جلد اول، چاپ اول، تهران: جامعه‌شناسان.

۱۷. مارش، دیوید و جری استوکر (۱۳۷۸) **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه‌ی امیر محمد حاجی یوسفی، تهران: پژوهشکده‌ی مطالعات راهبردی.

۱۸. محسنی تبریزی، علیرضا؛ ویاهک، سجاد؛ قهرمانی، سهراب و علی باصری (۱۳۹۰) «مطالعه‌ی میزان مشکلات آپارتمان‌نشینی و عوامل تأثیرگذار بر آن در کرج»، **مجله‌ی مطالعات اجتماعی ایران**، (۵):۲۱۰-۱۸۱.

۱۹. محمدزاده، رحمت (۱۳۹۰) «بررسی کیفیت عوامل فضائی و کالبدی فضاهای باز مجتمع های مسکونی شهر جدید سهند»، **نشریه‌ی هنرهای زیبا- معماری و شهرسازی**، شماره ۴۷: ۳۲-۲۹.

۲۰. نوروزی، فیض‌اله و مهناز بختیاری (۱۳۸۸) «مشارکت اجتماعی و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن»، **فصل‌نامه‌ی راهبرد**، سال ۱۸، (۵۳): ۲۶۹ -۲۴۹.

۲۱. ناصری، علی‌محمد و احسان تقوی (۱۳۹۳) «واکاوی پیامدهای آپارتمان‌نشینی در شهرهای ایرانی-اسلامی (نمونه‌ی مورد مطالعه: مسکن مهر بروجرد)»، **کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه‌ی پایدار**، تهران.

22. . Bourdieu, P (2002) **Distinction: A Social Critique of the Judgment of Taste**, Translated by Richard Nice, Routled & Keagan Paul.

23. Caves, R (2005) **Encyclopedia of the City**, London and New York, Routledge.

24. Caux, J (1971) **Ecrits d urbanisme**, CRU (entrede recerched urbaniisme), Paris.

25. Charmaz, M (2006) **grounded theory: Nobjectivist and constructivist methods,** London, sage.

26. Domingo,m.a.b (1989) «**ATTITUDE-BEHAVIOR ELATIONSHIP: A COMPARATIVE ANALYSIS USING THE /HEALTH BELIEF**

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

MODEL AND-THE THEORY OF REASONED ACTION» the Faculty, of the University of Delaware in partial fulfillment of the requirements for 'the degree of Master of Arts in Communication.

27. Douglas, E (2018) «How does residential density relate to residents' sense of community Vancouver camous», University of British Columbia, School of Community and Regional Planning.

28. Fischer, C (1975) «Toward a sub – cultural theor of urbanism», **American Journal of sociology**, 80, 1319-1341.

29. Fishbein, M., and Manfredo M. J (1992) «A theory of behavior change», In: M. J.Manfredo (Ed.), **Influencing human behavior: Theory and applications in recreation and tourism**, Sagamore Press Champaign, IL: 29-50.

30. Flanagan, W. G (1999) **Urban Sociology: Images and Structure**, New York, Allyn and Bacon.

31. Gans, H. G (1969) «Urbanism and Suburbanism as Ways of Life», in R. E.Phal (ed.), Readings **in Urban Sociology**, Oxford, Pergamon Press, pp: 95-117.

32. Gottdiener, M.& Ray.H (2006) **the New Urban Sociology**, Third Edition, Colorado, West View Press.

33. Hanlon, H (2006) **Successful Apartment living**, the International Handbook on Aging: Current Research and Developments.

34. Kennedy, R, Buys, L, & Miller, E (2015) «Residents' experiences of privacy and comfort in multi-storey apartment dwellings in subtropical Brisbane». **Sustainability**, 7(6), pp. 7741-7761.

35. Lewis,O (1965) **Further Observation on The Folk UrbanContinuum and Urbanization**, in P. H. Hauser and L. Schnore(eds.), The Study of Urbanization, New York, Wiley.

36. Nieuwenhuis, J., Völker, B., & Flap, H (2013) « A bad neighbour is as great a plague as a good one is a great blessing: On negative relationships between neighbours». **Urban Studies**, 50(14): 2904-2921.

37. Park, R (1358) **Comments on the study and human behavior and urban environment, (in the concept of city 2)**, translated by Farrokh Hesamian, Tehran: Urban and Regional Studies.

38. Putnam, R (1995) «Bowling Alone, America'sDeclining Social Capital», **Journal of Democracy**, v.6, n.1, pp.65-78.

39. Simmel, G (1969) «The Metropolitan and Mental Life», **in Richard Sennet (e d), Classic Essays on the Culture of Cities**, New York, Meredith Corporation, pp: 47-60.

40. Wenjia, Xi. J, Li ,& Rosly ,H (2016) «Neighbourhood Cohesion of Medium-Low Commodity Housing in Bandar Sunway, Selangor, Malaysia: A Case Study of Mentari Court Apartment», **Conference: Asia Pacific Network for Housing Research Conference, At Sun Yat-sen University, Guangzhou**

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]

city, Guangdong province, China, Conference Paper (PDF Available) · December 2016/2017 with 97 Reads.

41. Wirth, L (1938) «Urbanism as a Way of Life»,**The American Journal of Sociology**, July, Volume XLIV, Number 1, pp: 1-24.

[Downloaded from scdsjournal.ir on 2026-11-20]